

بسم به الرحمن الرحیم

نظام آموزش و پرورش ایران: یک تحلیل نظام مند

ما با یک دستگاه عظیم و پیچیده روبرو هستیم. اما برای درک چالش‌ها و دستاوردهای آن، ابتدا باید ابعاد واقعی آن را بشناسیم.

۱ میلیون

نفر نیروی انسانی
(معلم، مربیان، کارمندان)

۱۱۰+ هزار

مدرسه در سراسر کشور

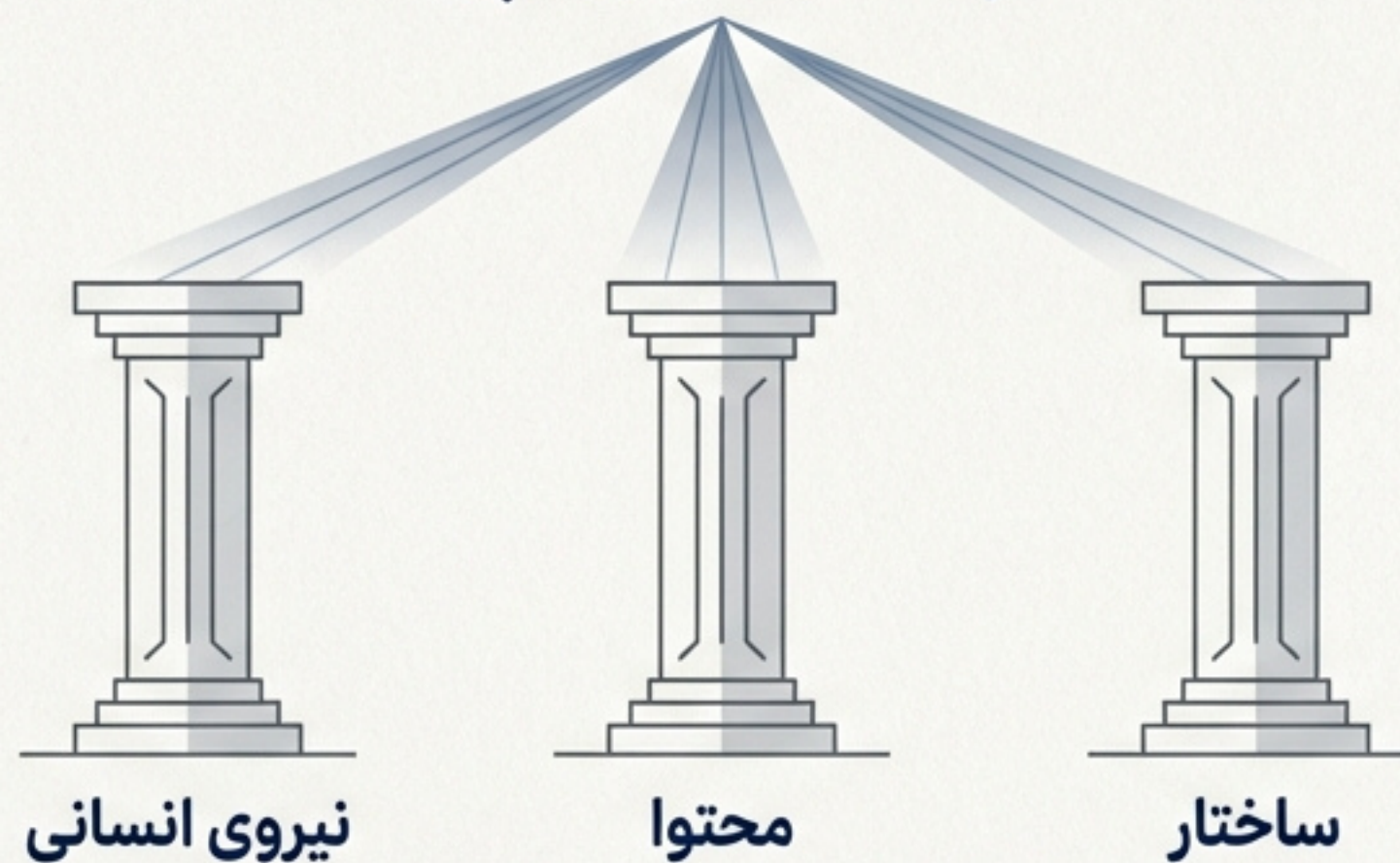
۱۶ میلیون

دانش‌آموز

درک «نظام مسائل»: فراتر از مشکلات روزمره

برای فهم عمیق، باید نگاهی عالمانه و نخبگانی داشت. مسائل آموزش و پرورش جزیره‌های جدا از هم نیستند؛ آن‌ها درهم‌تنیده و پیچیده‌اند و نیازمند نگاهی نظام‌مند هستند. ما این نظام را در سه حوزه کلیدی بررسی می‌کنیم:

نظام مسائل آموزش و پرورش



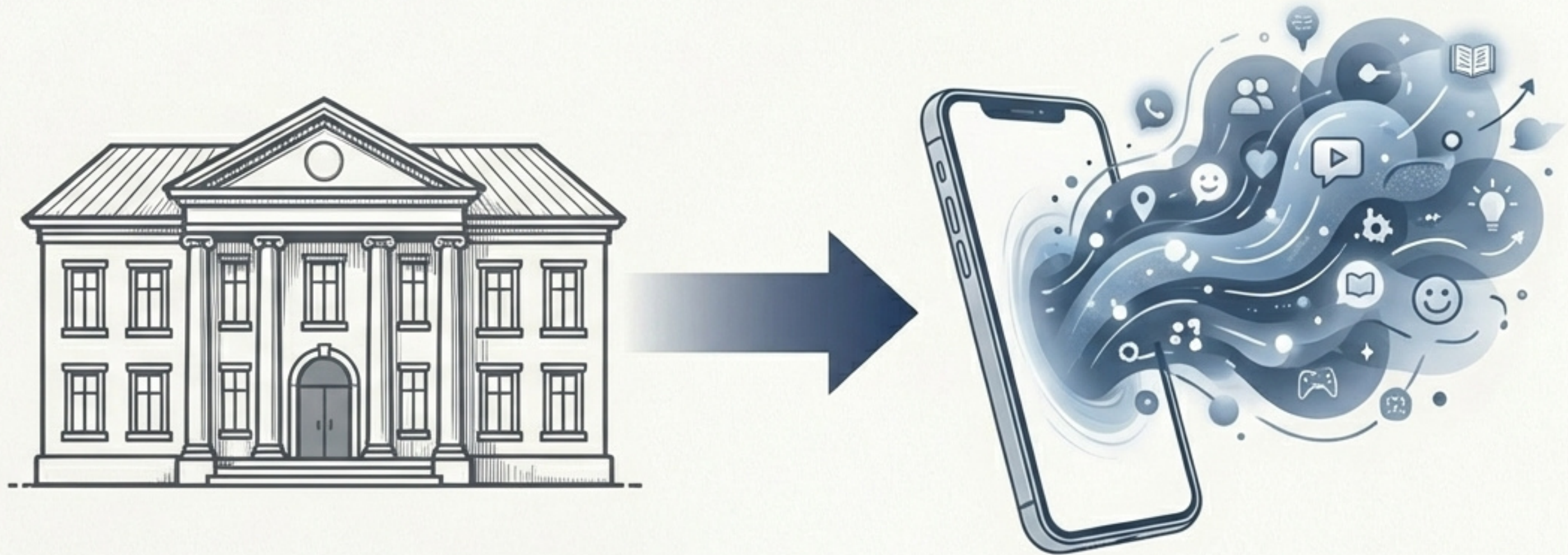
۱. ساختار: چارچوب‌ها، مدیریت و الگوهای اجرایی
۲. محتوا: دانش، ارزش‌ها و روایت‌های حاکم
۳. نیروی انسانی: نقش محوری معلم در تحول سیستم

حوزه اول: چالش‌های ساختاری و مدیریتی

- **تمرکز یا عدم تمرکز؟:** آیا مدل متمرکز کنونی با تنوع قومی و فرهنگی ایران سازگار است؟ آیا تمرکززدایی یک راه‌حل است یا یک تهدید حاکمیتی؟
- **عظمت و گستردگی:** تصمیم‌گیری برای بیش از ۱۱۰ هزار مدرسه پراکنده، از روستاهای مرزی تا کلان‌شهرها.
- **مدل‌های اداره:** ایده‌هایی مانند «مدرسه محوری» و «افزایش نقش شوراهای استانی» در سند تحول بنیادین چه جایگاهی دارند؟
- **فضای فیزیکی:** معماری یکسان مدارس در اقلیم‌های متفاوت، کشور، چالشی در برابر معماری بومی و متناسب.



یک چالش ساختاری نوین: آیا مدرسه در برابر جهان مجازی رنگ می‌بازد؟



نگاه ساده‌انگارانه: آیا مسئله فقط آموزش «سواد رسانه‌ای» به معلم است، یا با یک دگرگونی بنیادین در مفهوم تربیت روبرو هستیم؟

از مکتب‌خانه تا مدرسه، از مدرسه تا...؟: همانطور که «اسکول و تیچر» جایگزین «مکتب‌خانه و ملا» شد، هوش مصنوعی و زیست‌مجازی رقیب جدید معلم شده‌اند.

فضای مجازی صرفاً یک ابزار در دست معلم نیست. این یک «جهان» موازی است که حکمرانی تربیتی را از مدرسه به تلفن همراه منتقل می‌کند.

حوزه دوم: محتوا، میدان نبرد روایت‌ها

مسئله اصلی، جذاب نبودن محتوا نیست؛ بلکه «نظام ارزشی» حاکم بر آن است. محتوای آموزشی، حتی در دروس تاریخ و جغرافیا، عمیقاً ایدئولوژیک است.

روایت غربی (حاکم بر کتب درسی)



• نقطه شروع: توحش ← بربریت ← تمدن

• واحد اولیه: فرد (انسان‌های جدا از هم)

• ارزش محوری: رقابت (برای بقا)

• نقش انسان: مخترع (خودبنیادی)

روایت اسلامی



• نقطه شروع: پیامبران و علم الهی

• واحد اولیه: خانواده (زوجیت)

• ارزش محوری: تعاون

• نقش انسان: مکتشف (متصل به منبع علم)

از جغرافیا تا ارزشیابی: بازتولید ارزش‌ها در نظام آموزشی

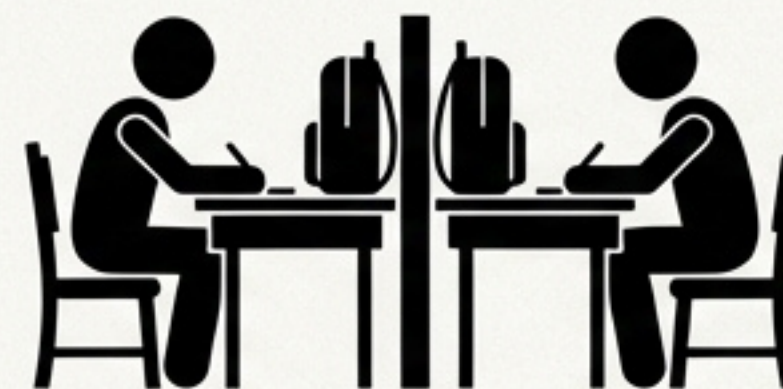


جغرافیای سیاسی یا طبیعی؟

- چرا دانش‌آموز ما در برابر شبهه «فلسطینی‌ها خودشان زمینشان را فروختند» توان پاسخگویی ندارد؟



- چرا روز ملی خلیج فارس (اخراج پرتغالی‌ها) به جای یک جشن ملی، به یک پاورقی در کتاب درسی تقلیل است؟ این نشان‌دهنده حذف روح «استعمارستیزی» از محتواست.



ارزشیابی به مثابه ابزار تربیتی

- نظام ارزشیابی ما «رقابت» را ترویج می‌کند یا «مشارکت» را؟



خیلی خوب →



- آیا تغییر «نمره ۲۰» به «خیلی خوب» به تنهایی نظام معنایی را دگرگون می‌کند؟ ارزشیابی توصیفی بدون تغییر در محتوای حافظه‌محور، یک تغییر سطحی است.

حوزه سوم: نیروی انسانی، قلب تپنده نظام

«معلم آن چیز است که اگر درست بشود،
حتی محتوا و حتی ساختار را هم می‌تواند
تغییر بدهد یا درست کند.»



توسعه

پیشرفت

با چه معیاری می‌سنجیم؟ توسعه یا پیشرفت؟

«دعای امروز، دعای کارآمدی است. دشمن می‌گوید شما کارآمد نبودید، پس امکان پیشرفت هم ندارید و باید مسیر توسعه غربی را دنبال کنید. اما آیا شاخص‌های ما یکسان است؟»

یک الگوی کارآمدی مبتنی بر «پیشرفت»: نهضت سوادآموزی

فرمان امام (ره): «هر کسی که سواد می‌داند، بدون قرطاس بازی و تشریفات اداری، برود به هر کسی که سواد نمی‌داند سواد یاد بدهد.»

منطق پیشرفت



منطق توسعه



نتیجه* کاهش چشمگیر نرخ بی‌سوادی در کمتر از یک دهه.
این ایده توسعه نیست، ایده پیشرفت است.
این الگو در «جهاد سازندگی» و «مقابله با کرونا» نیز دوباره زنده شد
و کارآمدی خود را اثبات کرد.



شاخص‌های واقعی پیشرفت در ترازوی انقلاب اسلامی

اگر معیار ما شاخص‌های توسعه غربی (مانند بهره‌وری اقتصادی صرف) نباشد، بلکه آرمان‌های انقلاب باشد، کارآمدی نظام آموزشی چگونه دیده می‌شود؟

عدالت



مدرسه یک دانش‌آموزی در یک روستای دورافتاده، مصداق بارز اولویت «عدالت آموزشی» بر «بهره‌وری» است.

مقاومت



چگونه نسلی که در همین نظام تربیت شده، همچنان پای شعار «مرگ بر آمریکا» ایستاده و ایستاده و در بزنگاه‌هایی مانند جنگ غزه، کنشگر اصلی میدان است؟

استقلال



داشتن «سند تحول بنیادین» به خودی خود نشانه پیشرفت است. این یعنی ما به مدلی غیر از جریان اصلی جهانی فکر می‌کنیم.

تحول



خود ایده «تحول» و نقد دائمی وضع موجود، نشان‌دهنده پویایی و پیشرفت است.

دو روایت از یک نسل: چرا تحلیل دشمن از وقایع ۱۴۰۱ اشتباه است؟



روایت مبتنی بر پیشرفت

دانش‌آموز این نسل به برکت تنفس در اتمسفر انقلاب اسلامی، درخواستش بالاتر از شکم است. او به دنبال «شان سیاسی» و «نقش اجتماعی» است. این خود یکی از بزرگترین نشانه‌های پیشرفت است.

روایت دشمن

دانش‌آموزان معترض در خیابان، محصول شکست نظام آموزشی در تربیت در تربیت دینی و انقلابی هستند.

کارآمدی از نگاه دیگران: وقتی دشمن به قدرت نرم شما معترف است

همین کتاب‌های درسی که ما به آنها نقد داریم، از منظر دشمنان،
ما، ابزارهای قدرتمندی برای ترویج مقاومت هستند.



گزارش اسرائیل به کنگره آمریکا: «مراقب باشید، ایرانی‌ها همچنان در کتاب‌های
درسی‌شان از حسین فهمیده، شهدا و آرمان فلسطین حرف می‌زنند.»

گزارش سازمان IMPACT-se: این سازمان، هرگونه اشاره به استعمارستیزی در کتب
درسی را مصداق «نفرت‌پراکنی» دانسته و خواستار حذف آن شده است.

و اکنون، نقش شما: معلم چگونه بر این نظام اثر می‌گذارد؟



- با شناخت عمیق «نظام مسائل»: فراتر رفتن رفتن از مشکلات روزمره و درک ریشه‌های ساختاری، محتوایی و انسانی.
- با اتخاذ «روایت پیشرفت»: سنجش خود و دانش‌آموزان نه با معیارهای توسعه غربی، بلکه با شاخص‌های عدالت، مقاومت و استقلال.
- با تبدیل شدن به الگوی «کارآمدی»: معلمی که خود، تجسم زنده فرهنگ جهادی و تحول‌خواهی است، قدرتمندترین عامل تغییر در کل نظام است.

مسئله امروز اگر «رفع بی‌سوادی» نیست، «رفع بی‌هویتی» است.
جهادی برای تربیت، امروز از کلاس درس شما آغاز می‌شود.